



A Critical Analysis of the Application of Cuypers' Theory of the Symmetrical Order and Its Application to Surah Al-Hadid

Mohammad Hossein Ahmadyar ^{a*}

^a PhD, Tehran, Iran. mohammadhossein45@gmail.com

KEYWORDS

Criticism,
order and coherence of the
Quran,
semantics of symmetrical
order,
Surah Al-Hadid.

ABSTRACT

Abstract: One of the theories applicable to the Holy Quran is the theory of Michel Cuipers, who has introduced a new approach to the order and coherence of the Quran by using the method of symmetrical and inverse order. He divides the text into different levels, then divides the various forms of symmetry, i.e., sequential parallelism, contradictory parallelism, authorial or evolutionary parallelism, axial order or circular composition, inverse order or mirror composition, and photographic contrast with the help of convergent authorial indicators. It discusses and examines duality, synonymy, contradiction, similarity, repetition or similarity, phonetics or consonantal allegory, morphological similarities, and identical syntactic structure. After explaining the theory, its comprehensiveness and efficiency have been examined in Surah Al-Hadid by applying the rules provided by Cuipers, and it is concluded that the rules mentioned cannot be applied to all verses in this Surah at sub-section, section, and part levels, but they can be applied to all verses at *maghta'* and *mafsals* levels.

بررسی و نقد قواعد نظم متقارن کویپرس در معنا شناسی قرآن و تطبیق آن در (سوره حدید)

محمدحسین احمدیار الف*

الف فارغ التحصیل دکتری تخصصی زبان و ادبیات عربی، تهران، ایران، mohammadhossein45@gmail.com

چکیده	واژگان کلیدی
یکی از نظریات مطرح شده درباره نظم قرآن کریم، نظریه میشل کویپرس است که با استفاده از ادبیات نظم متقارن و معکوس، رهیافتی نوبه نظم و انسجام قرآن دارد. وی در نظریه خود، به فن تالیف کلام توجه می کند و دیدگاهی کل نگر به قرآن دارد. ایشان برای معناشناسی قرآن، متن را به سطوح مختلف تقسیم می کند، آنگاه اشکال گوناگون تقارن در این نظریه را با کمک شاخص های تالیفی مطرح کرده و به بررسی اشکال تقارن می پردازد. نیز ترازوی ترادفی، ترازوی تضادی، ترازوی تالیفی یا تکاملی، نظم محوری یا ترکیب دایره ای، نظم معکوس یا ترکیب آینه ای یا مقابله عکسی از اشکال گوناگون تقارن است که به کمک شاخص های تالیفی تجاوز، دوتایی بودن، ترادف، تضاد، تشابه، تکرار یا این همانی، تماثل صوتی یا هم صدایی، شباهت های صرفی، ساختار نحوی یکسان برای تحلیل و بررسی معنای متن مورد استفاده قرار می گیرد. در این مقاله پس از تبیین و توضیح نظریه مذکور، جامعیت و کارایی آن از طریق تطبیق قواعد مورد استناد کویپرس در سوره حدید مورد بررسی قرار گرفته و مشخص شده است که اجرای قواعد مورد نظر در این سوره و تقسیم بندی آیات در سطح فرع، قسم و جزء در تعداد قابل توجهی از آیات تطبیق نمی کند اما در سطح، مَفْصَل و مقطع در همه آیات مطابقت دارد.	معنا شناسی نظم متقارن، نقد، نظم و انسجام قرآن، سوره حدید، میشل کویپرس تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۰۸ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۰/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۵

از زمان نزول قرآن کریم بحث معنا شناسی مطرح شده است. تعدادی از پژوهشگران با توجه به قواعد بیانی و بلاغی و قواعد نحوی زبان عربی به بررسی معنای قرآن پرداخته اند. از طرفی منتقدینی وجود دارند که اعتقاد دارند تدوین قرآن مشمول اضافات، حذفیات، تغییرات سلیقه‌ای و پیچیدگی‌هایی شده است که نشان از عدم نظم و معنا در این مجموعه جمع آوری شده دارد. پژوهش‌های ساختار شناختی سبب شده است که محققان نگاه دیگری به معنا و فهم قرآن داشته باشند. آنان در تحقیقات نقدی خود به بررسی و تحلیل ساختاری متن سوره‌ها پرداخته اند. شیوه این دانشمندان که متن قرآن را از منظر ساختاری مورد بررسی قرار می‌دهند با شیوه لغوی-تاریخی کلاسیک متفاوت است. آنان بدین منظور از قواعد گوناگون بهره برده‌اند و روش‌های متفاوتی پیش رو نهاده‌اند، مانند: هماهنگی اجزاء سوره‌ها در تناسب آنها، تأثیر جنبه‌های ساختاری بر مضمون و محتوای قرآن، نظم کلی سوره و ارتباط اجزاء یک سوره با یکدیگر به جای نظم واحدهای جمله‌ای، نظم و ارتباط برخی سوره‌ها با هم از راه بررسی واحدهای مشابه و هم‌معنای آنها و همچنین استفاده از قواعد نظم متقارن در زبان‌های سامی از جمله واژه‌شناسی، تمثیل، ترادف، تضاد، اینهمانی، مقابله، آوا و هم‌صدایی، مشابهت‌های صرفی، ساختار نحوی یکسان. برخی دانشمندان معتقدند: «مفهوم فن ترکیب خطاب و تحلیل ساختاری متن قرآن در بلاغت سامی مورد نظر است.» (کوپیرس، ۲۰۱۴، ۲۵) و نیز برخی دیگر اعتقاد دارند: «زبان عربی از مستحکمترین زبان‌های سامی است که عناصر اصلی زبان سامی را حفظ کرده و تنها از موطن زبان سامی برخاسته است» (صبحی صالح، ۱۳۷۹هـ، ۳۶)

از جمله این محققان قرآن پژوه معاصر، میشل کوپیرس محقق بلژیکی است. او معتقد است با بهره‌گیری از مطالعات مشابه در باره کتاب مقدس و با تکیه بر نظریه ادبی جدید، توانسته است رهیافتی نو به نظم و انسجام و معنای قرآن داشته باشد. (کتاب ماه دین، ۱۲۸). کوپیرس در نظریه خود به فن تألیف کلام توجه و متن را به سطوح مختلف تقسیم می‌کند، آنگاه اشکال گوناگون تقارن را که سازنده ساختمان متن است می‌آورد، سپس با کمک شاخص‌های تألیفی (واژگان طرفینی، آغازین، مرکزی و پایانی) و با استفاده از روابط شاخص‌های تألیفی مانند تناظرهای واژگانی، ترادف، تضاد، هم‌صدایی و ساختارهای نحوی، به بررسی اشکال تقارن می‌پردازد و آنگاه ارتباطات و شاخص‌های مورد نظر را مورد بحث قرار می‌دهد. به عقیده او «در زمان گذشته علماء مسلمان به نظم ساختاری و قرآن اهتمام داشته‌اند. اما اکنون این نظم تماماً به فراموشی سپرده شده و بلاغت یونانی جایگزین آن شده است. در نتیجه بلاغت کنونی عربی از پاسخ به سوال‌های دانشمندان در باره نظم ناتوان شده است.» (کوپیرس، ۲۰۱۸، ۱۱). بنابراین این هدف قواعد نظم متقارن در تطبیق آن با آیات و سوره‌های قرآن، پاسخ به ادعاهایی است که معتقدند عبارات قرآن با همدیگر ارتباطی ندارند و می‌خواهد ثابت کند جملات قرآن دارای معنا و ساختار مرتبط به هم بوده و موضوعاتی پراکنده و بی‌ربط به هم نیست.

۲. پیشینه پژوهش

قرن سوم هجری شاهد پاسخ به شبهاتی بود که قرآن را بی‌نظم و اجزاء آن را بی‌ارتباط با هم و تکراری می‌دانستند. برخی مفسران از هماهنگی و تناظر نصی در قرآن سخن گفته‌اند. همچنین در قرن‌های بعد دانشمندی به موضوع نظم و معنای قرآن پرداخته‌اند. از جمله دانشمندان مذکور به افراد زیر می‌توان اشاره کرد که درباره نظم قرآن سخن گفته‌اند. در قرن چهارم باقلانی در کتاب اعجاز القرآن (باقلانی، ۱۹۹۷: ۲۹۵)، در قرن ششم فخرالدین رازی در کتاب تفسیر کبیر (رازی، بیتا، ج ۲۶: ۴۴۲)، در قرن هشتم زرکشی در کتاب البرهان فی علوم القرآن (زرکشی، ۱۹۵۷، م، ج ۲: ۹۲)، در قرن نهم بقاعی در کتاب نظم الدرر فی تناسب الآیات والسور (بقاعی، ۱۴۰۴ق-۱۹۸۴م، ج ۱: ۱۰-۵)، در قرن دهم سیوطی در کتاب معترك الأقران فی اعجاز القرآن (سیوطی، ۱۹۸۸، م، جلد ۱: ۲۳)، در قرن چهاردهم ابوزهره در کتاب المعجزه الکبری القرآن (ابوزهره، ۱۹۹۸: ۷۴) همچنین در سال‌های ۱۹۷۰-۱۹۸۰ دانشمند هندی-پاکستانی امین احسن اصلاحی سوره‌های قرآن را به مجموعه‌های دوتایی پیشنهاد کرد، بطوریکه دوسوره در یک موضوع به هم مرتبط می‌شوند. دانشمند دیگر شیخ سعید حوی از سوره تقسیم سوره‌ها به مجموعه‌هایی از آیات در سطوح متعدد را برای رسیدن به نظام معین در قرآن ارائه داد. (کوپیرس، ۲۰۱۶، م، ۲۰-۲۱) علاوه بر دانشمندان مذکور، مستشرقان

نیز به این موضوع پرداخته اند. مستشرق غربی، تئودور نولدکه^۱ در سال ۱۸۶۰ تحقیقی را بعنوان «تاریخ القرآن» (Geschichte des Qorans) انجام داد، به این صورت که نص قرآن با فرض اختلاف آن در تاریخ نزول، به واحدهای کوچک تفکیک شد. قرار دادن این مجموعه های پراکنده به ترتیب تاریخی و بازسازی آنها به شکل منطقی و قانع کننده در این نظریه بیان شده است. (همان) ترجمه و تفسیر معانی قرآن به انگلیسی از ریچارد بل^۲ در سال ۱۹۳۷، نمونه ای از این ترتیب تاریخی است. نیز رژی بلاشر^۳ ترجمه ای از قرآن به زبان فرانسه در سال ۱۹۵۰ انجام داد. وی تعدادی از آیات را برای نشان دادن پیوستگی آیات، جابجا کرد. (همان) این شیوه، در دهه هشتاد قرن گذشته با نظر دو محقق غربی تغییر کرد. پیر کرابون دی کاپرونا^۴ ترکیب سوره های مکی را از ناحیه آهنگ یا وزن بررسی کرد و آنجلینا نویورت^۵، به تحقیق درباره قافیه آیات و تکرار برخی ویژگی ها پرداخت. نیل رابینسون^۶ و ماتیاس زانیسر^۷ نیز تحقیقاتی را در باره ترکیب سوره های طولانی مدنی انجام دادند. هر کدام از این دو نفر به این نتیجه رسیدند که میزان در ترکیب قرآن تطابق و تشابه میان مفردات و جملات و عبارات است. (همان، ۲۱-۲۲) رولاند مینیت استاد تفسیر کتاب مقدس در دانشگاه گریگوریان در رم و مدیر گروه بلاغت سامی نظریه تحلیل بلاغی (analyse rhétorique) را ارائه داد و مقصود از آن ترکیب های پنهان و عمیقی است که معمولاً پوشیده است و با تحلیل بلاغی بدست می آیند. (همان، ۲۳)

از دیگر تحقیقات انجام شده در این باره موارد زیر است:

- بررسی نظم ساختاری سوره مائده توسط میشل کوپپرس بر اساس قواعد نظم متقارن در کتاب فی نظم سوره المائده، ترجمه عمرو عبدالعاطی صالح، دارالمشرق، بیروت، ۲۰۱۶ م.
- بیان قواعد نظم متقارن توسط کوپپرس در کتاب فی نظم القرآن، ترجمه عدنان المقرانی و طارق منزو، بیروت، ۲۰۱۸ م.
- دلیل تدریسی للتحلیل البلاغی للقرآن الکریم، میشل کوپپرس، ترجمه میشل لولکیر و طارق منزو، المعهد الدومنیکی للدراسات الشرقيه، قاهره، ۲۰۱۷ م.

۳. سوره حدید

۳-۱- سطح مفصل: طبق روش کوپپرس ابتدا شماره آیه را در اول آیه قرار داده و هر مفصل نیز با حروف (أ) و (ب) و (ج) و... نشان داده می شود، تا در صورت نیازه آدرس مفصل ارجاع داده شود. در این تحلیل سوره حدید به ۸۱ مفصل تقسیم می شود.

- (۱) (أ) سَخَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (ب) وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ
- (۲) (أ) لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (ب) يُحْيِي (ج) وَيُمِيتُ (د) وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
- (۳) (أ) هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ (ب) وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ
- (۴) (أ) هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ (ب) ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ (ج) يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا (د) وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ (س) وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ
- (۵) (أ) لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (ب) وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ

^۱ (Theodor Nöldeke) خاورشناسان آلمانی، قرآن پژوه و نویسنده کتاب تاریخ قرآن به زبان آلمانی است، (۱۸۳۶-۱۹۳۰)

^۲ (Richard Bell) انگلیسی، متخصص زبان و ادبیات عرب در دانشگاه ادینبرای اسکاتلند، در فاصله ۱۹۳۷ تا ۱۹۳۹ ترجمه ای از قرآن را به زبان انگلیسی منتشر کرد و در ۱۹۵۳ اثر دیگری با عنوان «درآمدی بر قرآن» از او انتشار یافت، (۱۸۷۶-۱۹۵۲)

^۳ (Blachère Régis) شرق شناس و عربی دان فرانسوی، یکی از مترجمان قرآن به زبان فرانسوی از مستشرقان اخیر، (۱۹۰۰-۱۹۷۳)

^۴ (Pierre Crapon de Caprona) مورخ و آموزگار فرانسوی، (۱۸۶۳-۱۹۳۷)

^۵ (Angelika Neuwirth) خاورشناس، قرآن پژوه و اسلام شناس آلمانی، تولد ۱۹۴۳

^۶ (Neal Robinson) پژوهشگر و رئیس بخش مطالعات اسلامی دانشگاه ولز انگلستان، فارغ التحصیل دانشگاه آکسفورد و دانشگاه بیرمنگام، وی پس از مطالعه و تحقیق درباره قرآن به اسلام گروید و دارای تألیفاتی در زمینه قرآن کریم و پیامبر اسلام است.

^۷ (Matthias Zahniser) محقق تاریخ فلسفه و دین و قرآن، استاد کالج گرینویل رزیدنس در آمریکا، نویسنده کتاب رسالت و مرگ عیسی در اسلام و مسیحیت، تولد ۱۹۳۸ م

- (۶) (أ) يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ (ب) وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ (ج) وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ
- (۷) (أ) آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ (ب) وَأَنفَقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَحْلِفِينَ فِيهِ (ج) فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَأَنفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ
- (۸) وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالرَّسُولِ يَدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُوا بِرَبِّكُمْ وَقَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ
- (۹) (أ) هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَى عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ (ب) وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَؤُوفٌ رَّحِيمٌ
- (۱۰) (أ) وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (ب) لَا يَسْتَوِي مِنكُم مَّنْ أَنفَقَ مِن قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ (ج) أُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنفَقُوا مِن بَعْدِ وَقَاتَلُوا (س) وَكَلَّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَى (ص) وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ
- (۱۱) (أ) مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ (ب) وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ
- (۱۲) (أ) يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُم بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ (ب) بَشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا (ج) ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ
- (۱۳) (أ) يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِن نُّورِكُمْ (ب) قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا (ج) فَضْرَبَ بَيْنَهُمْ بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِن قِبَلِهِ الْعَذَابُ
- (۱۴) (أ) يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ (ب) قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ أَنفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَارْتَبْتُمْ وَغَرَّتْكُمُ الْأَمَانِيُّ حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَغَرَّكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ
- (۱۵) (أ) فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا (ب) مَا أَوَّكِمْنَا النَّارَ (ج) هِيَ مَوْلَاكُمْ (د) وَبئْسَ الْمَصِيرُ
- (۱۶) (أ) أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ (ب) وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ (ج) وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ
- (۱۷) (أ) اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا (ب) قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ
- (۱۸) (أ) إِن الْمُصَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَبُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يِضَاعَفْ لَهُمْ (ب) وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ
- (۱۹) (أ) وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصِّدِّيقُونَ وَالشَّهَادَةُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ (ب) وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ
- (۲۰) (أ) اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيَجُ فَتَرَاهُ مِصْفَرًا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا (ب) وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَعْفَرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ (ج) وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ
- (۲۱) (أ) سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا عَرْضُ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ (ب) وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ
- (۲۲) (أ) مَا أَصَابَ مَن مَّصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِّن قَبْلٍ أَنْ نَبْرَأَهَا (ب) إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ
- (۲۳) (أ) لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ (ب) وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ (ج) وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ
- (۲۴) الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ
- (۲۵) (أ) لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ (ب) وَأَنزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ (ج) وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ (س) إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ
- (۲۶) وَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُّهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ
- (۲۷) (أ) ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِرُسُلِنَا (ب) وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ (ج) وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ (س) وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَابِهَا
- (ص) فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ (ط) وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ
- (۲۸) (أ) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ (ب) وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِّن رَّحْمَتِهِ (ج) وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ (س) وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ
- (۲۹) (أ) لَيْلًا يَعْلَمُ أَهْلُ الْكِتَابِ أَلَا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِّن فَضْلِ اللَّهِ (ب) وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ (ج) وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

مفصل های تقسیم بندی شده در سوره حدید دارای انسجام داخلی و روابط نحوی و معنایی و برخی مفاصل نیز دارای انسجام خارجی بوده و با مفاصل اطراف ارتباط معنایی دارند.

مفصل (أ۱) و (ب۱) و (أ۲) دارای روابط نحوی و معنایی و داخلی است. مفصل (ب۲) و (ج۲) از لحاظ نحوی و معنایی با مفصل قبل از خود مرتبط و دارای انسجام خارجی است. از مفصل (د۲) تا (ج۱۵) دارای انسجام داخلی است و مفصل (د۱۵) وابسته به قبل از خود است و انسجام خارجی دارد. از مفصل (أ۱۶) تا (ب۲۲) دارای انسجام داخلی و مفصل (أ۲۳) و (ب۲۳) دارای انسجام خارجی است. از مفصل (ج۲۴) تا مفصل (ج۲۹) دارای انسجام داخلی نحوی و معنایی است. لذا قواعد نظم متقارن در فصل بندی کارآمد است.

۲-۳- سطح فرع: برای مشخص شدن تعداد مفصل ها در هر فرع، بالا و پایین هر فرع با خط بلند (-----) و میان فرع ها با خط کوتاه (----) مشخص شده است.

فرع سه مفصلی ﴿۱﴾ (أ) سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

(ب) وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

﴿۲﴾ (أ) لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

این فرع دارای نظم محوری (أ، ب، أ) است. دو طرف (أ۱ و أ۲) دارای عنصر اینهمانی (السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ) که این فرع را قاب بندی کرده و مرکز (ب) حکم به عزت و حکمت خداوند داده است. عناصر ارتباطی: قاب بندی با عبارت (السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ) که کمال اتصال میان یک متن است، نیز کلمات (الله، هُوَ، هُ دَرَلَهُ) هم معنا هستند و این فرع را به هم ربط داده اند. لذا قواعد نظم متقارن در این فرع کارآمد است.

فرع دو مفصلی (ب) يُحْيِي

(ج) وَيُمِيتُ

هر دو مفصل این فرع فعل مضارع مفرد مذکر است. هر دو فعل نشان دهنده تصرف کامل در ملک و ایجاد و محو همه چیز بوسیله خداوند است. (ابوحیان، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۰: ۱۰۰) لذا این فرع دارای نظم توازی (أ، أ) است. عناصر ارتباطی: هر دو فعل از جهت مضارع بودن و تصرف کامل، متقارن و از جهت متضاد بودن تقارن تضادی دارند و این فرع را به هم مربوط کرده است. بنابراین قواعد مربوط به فرع و مفصل در این فرع کارآمد است.

فرع سه مفصلی (د) وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

﴿۳﴾ (أ) هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ

(ب) وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

این فرع دارای نظم محوری (أ، ب، أ) است. دو جمله (د۲) و (ب۳) در دو طرف تشابه نحوی و معنایی دارند و در مرکز (أ۳) تأکید بر صفات خداوند شده است. یعنی همه اسباب از او آغاز و همه مسببات به او منتهی می شود و وجودش در همه چیز ظاهر است و عقل هم به حقیقت ذاتش راه ندارد. (فیض کاشانی، ۱۳۱۶ ق: ۱۰۸)

عناصرارتباطی : عنصراینهمانی(هُوَ)و(كُلِّ شَيْءٍ)این فرع را قاب بندی کرده است. قاب بندی نشان دهنده قویترین اتصال وارتباط است.

این فرع با فرع قبل دارای عنصر مشترک اینهمانی(هُوَ) و دو عنصرمشابه(عَلِيمٌ، يَعْلَمُ) است و هر دو فرع در قدرت واحاطه خداوند مشابهت معنایی داشته و می تواند به فرع قبل ملحق وباهم تحلیل شوند ولی قواعد نظم متقارن بیش از سه مفصل در یک فرع را اجازه نمی دهد. لذا قواعد فرع ومفصل دراین فرع ناکارآمد است.

فرع سه مفصلی ﴿٤﴾ (أ) هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ

(ب) ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ

(ج) يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا

فرع بالا دارای نظم محوری (أ،ب،أ) است.مفصل(أ٤) درطرف اول با مفصل(ج٤) درطرف دوم درخبردادن ازخلقت واحاطه و قدرت خداوند براین امورهم معنا است ودرمرکزسیطره خداوند بر عرش را بیان می کند که همه مخلوقات را شامل می شود. سیطره بر تمامی مُلک.(طبرسی، ۱۹۹۵م: ۳۸۳)

عناصرارتباطی: دارای عناصر مشترک الأَرْضِ و السَّمَاوَاتِ و السَّمَاءِ درمفصل (أ٤)و(ج٤) واشتراک در فعل ماضی هم صیغه خَلَقَ وَاِسْتَوَى درمفصل (أ٤) و(ب٤)، این فرع را به هم مربوط می کنند. اجرای قواعد نظم متقارن دراین فرع کارآمد است.

فرع دومفصلی (د) وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ

(س) وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

این فرع دارای نظم توازی تکاملی(أ-أ) است. مفصل دوم (س٤) باعنصر(اللَّهُ بَصِيرٌ) بیان کننده احاطه کامل خداوند وتکمیل کننده عنصر(هُوَ مَعَكُمْ) درمفصل اول(د٤) است. عناصرارتباطی: دوکلمه(هُوَ و الله)این فرع را به هم ربط داده. لذا قواعد نظم متقارن دراین فرع کارآمد است.

فرع دومفصلی ﴿٥﴾ (أ) لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

(ب) وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ

فرع بالادارای نظم تکاملی(أ-أ) است. هر دو مفصل درمعنای احاطه خداوند بر همه امورمشترکند. مفصل دوم تکمیل کننده مفصل اول است. بعداز اینکه مالکیت آسمان ها وزمین تعلق به خداوند دارد در نهایت بازگشت همه امورهم به سوی خداوند است. دو کلمه (هُوَ و(اللَّهُ) این فرع را به هم مربوط وقاب بندی کرده است. چهارفرع بالا (د٢-٥ب) با توجه به عناصرمشترک(هُوَ، اللَّهُ، هُ، السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ) می توانند به هم ملحق و تحلیل شوند ولی براساس قواعد نظم متقارن هر فرع بیش سه مفصل نمی تواند داشته باشد. لذا این قاعده در این فرع ناکارآمد است.

فرع دومفصلی ﴿٦﴾ (أ) يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ

(ب) وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ

در این فرع، مفصل (أ) و (ب) شباهت اینهمانی در ترکیب نحوی و معنایی داشته و کاملاً به هم شبیه اند و دارای نظم توازی (أ-أ') است. لذا قواعد نظم متقارن در این فرع کارآمد است.

(ج) وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

فرع تک مفصلی (ج) با فرع قبل از خود (أ، ب) عنصر مشترک ندارد ولی با فرع بعد از خود (ج-أ) در دو کلمه (هُوَ) و (اللَّهُ) مشترک است، اما چون فرع بعد را سه مفصلی تقسیم کرده ایم لذا بر اساس قواعد نظم متقارن در یک فرع بیش از سه مفصل مجاز نیست. لذا قاعده نظم متقارن در این فرع ناکارآمد است.

(أ) آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ

فرع سه مفصلی

(ب) وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ

(ج) فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ

فرع فوق داری عناصر مشترک معنایی در (أ، ب، ج) آمده است. در طرف اول (أ) و در طرف دوم (ج) ایمان بیان شده و عنصر (أَنْفِقُوا) در مرکز (ب) است. در مرکز تفکر انفاق مطرح شده و این تفکر به طرف دوم (ج) گسترده شده است. (قانون چهارم لوند) در نتیجه این فرع دارای نظم محوری (أ، ب، ج) است. عناصر ارتباطی: عناصر مشابه و متقارن (أَنْفِقُوا وَأَنْفِقُوا) و اینهمانی (كَمْ) در (ب، ج) این فرع را به هم مربوط می کند. اجرای قواعد نظم متقارن در این فرع کارآمد است.

فرع سه مفصلی (أ) وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالرَّسُولِ يَدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُوا بِرَبِّكُمْ وَقَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

(أ) هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَىٰ عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

(ب) وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ

در فرع بالا توجه خداوند به بندگان با عنصر (كَمْ) بیان شده است. در مفصل (أ) خداوند بندگان را که ایمان نمی آورند با جمله سؤالی مورد خطاب قرار داده است. در (أ) خارج کردن بندگان از ظلمت به نور و در (ب) رأفت و رحمت به بندگان بیان شده است. میان دو مفصل (أ) و (ب) مشابهت معنایی در مهربانی خداوند نسبت به بندگان است. این فرع توازی (أ، ب) دارد. مفصل (أ) و (ب) در این توازی با (ب، ب) نمایش و توجه خداوند به بندگان را در عبارت (لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ) و (إِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ) بیان می کند. عناصر ارتباطی: اشتراک معنایی در کلمات (اللَّهُ، هُوَ، الَّذِي، رَبِّ) و عنصر اینهمانی (كَمْ) و دو فعل مضارع هم صیغه (يَدْعُو، يَنْزِلُ، يُخْرِجُ) این فرع را مرتبط کرده اند. قواعد نظم متقارن در این فرع کارآمد است.

فرع سه مفصلی ﴿۱۰﴾ (أ) وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاتُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

(ب) لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ

(ج) أُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَاتَلُوا

دو مفصل (۱۰ب) و (۱۰ج) در انفاق کردن مشابه و نیز مفصل (۱۰أ) با دو مفصل (۱۰ب، ج) تقارن تضادی دارد. در (۱۰أ) عنصر (لَا تُنْفِقُوا) و در (۱۰ب، ج) عنصر (أَنْفَقَ، تُنْفِقُوا) آمده. لذا این دو فرع دارای نظم توازی (أ، ب، ج) است. عناصر ارتباطی: عناصر مشترک معنایی (لَا تُنْفِقُوا، أَنْفَقَ، أَنْفَقُوا) و اینهمانی (كَمْ) این فرع را به هم مربوط می کنند. قواعد مربوط به فرع و مفصل در این فرع کارآمد است.

فرع دو مفصلی (س) وَكَلَّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَى

(ص) وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

هر دو مفصل بیانی از توصیف خداوند است. در مفصل اول خداوند وعده دهنده به پاداش نیک و در مفصل دوم آگاه از اعمال است. لذا این دو مفصل در توصیف خداوند مترادفند و دارای نظم توازی مترادفی (أ-أ) است. عناصر ارتباطی: کلمه (الله) این فرع را به هم ربط داده و قاب بندی کرده است. بنابر این قواعد نظم متقارن در این فرع کارآمد است.

فرع دو مفصلی ﴿۱۱﴾ (أ) مَنْ ذَا الَّذِي يَفْرِضُ اللَّهُ قَرَضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفُهُ لَهُ

(ب) وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ

مفصل دوم (۱۱ب) در اجروپاداش تکمیل کننده فرع اول (۱۱أ) است لذا این فرع دارای نظم تکاملی (أ-أ) است. عناصر ارتباطی: دو عنصر (يُضَاعِفُ، أَجْرٌ كَرِيمٌ) هم معنا در پاداش و دو عنصر اینهمانی (لَهُ) سبب ربط این فرع است. این فرع با توجه به عنصر اینهمانی (الله) و دو عنصر هم معنای (حَسَنًا، الْحُسْنَى) در دو فرع می تواند به فرع فوق الحاق و با هم تحلیل شوند ولی طبق قواعد نظم متقارن بیش از سه مفصل در یک فرع مجاز نیست. لذا قاعده (هر فرع تنها سه مفصل می تواند داشته باشد) در اینجا ناکارآمد است.

فرع سه مفصلی ﴿۱۲﴾ (أ) يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ

(ب) بُشْرَاكُمْ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا

(ج) ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

سه مفصل این فرع مشابهت معنایی در برخورداری نعمت برای مؤمنان داشته و متقارن بوده و دارای نظم توازی تکاملی (أ، أ، أ) است. مؤمنان از زن و مرد در مفصل (۱۲أ) از نور برخوردارند، در (۱۲ب) به بهشت با اوصاف مذکور بشارت داده می شوند و در (۱۲ج) رستگاری بزرگ شامل نعمت های قبل است.

عناصرارتباطی: عناصرمشترک(یَوْمَ، الْيَوْمَ)، عنصر(ذَلِك) در(۱۲ج) به مطالب گذشته برمی گردد که عبارت بود نوردر پیشاپیش آنان وبشارتشان به بهشت. ممکن است ذلک اشاره به جنات وخلود درجنات باشد. (طباطبایی، بی تا، ج: ۱۹: ۱۵۵) قواعد نظم متقارن مربوط به فرع ومفصل دراین فرع کارآمد است.

فرع سه مفصلی ﴿۱۳﴾ (أ) يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ

(ب) قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا

(ج) فَضْرَبَ بَيْنَهُمْ بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ

این فرع با توجه به ارتباط معنایی استهزاء (صافی، ۱۴۱۸ق، ج: ۲۷-۲۸: ۱۴۷) منافقین ومنافقات در مفصل(۱۳) با جمله قیل ارْجِعُوا میان دومفصل(۱۳) و(۱۳ب) دارای نظم توازی(أ، ا، ب) است.

عناصرارتباطی: عناصرمشترک(نور، کُم) درمفصل(۱۳) و(۱۳ب) وعنصر(هَم) درمفصل(۱۳ج) که با عناصر(الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ، لِلَّذِينَ آمَنُوا) هم معنا است، این فرع را مرتبط کرده اند. دوعنصرهم ریشه وداری مشابهت معنایی(يَقُولُ در ۱۳) و(قِيلَ در ۱۳ب)، سه فعل امربا صیغه مشابه(انظُرُوا در ۱۳) و(ارْجِعُوا، الَّتَمِسُوا در ۱۳ب). قواعد نظم متقارن دراین فرع کارآمد است.

فرع دومفصلی ﴿۱۴﴾ (أ) يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ

(ب) قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَارْتَبْتُمْ وَغَرَّتْكُمُ الْأَمَانِيُّ حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَغَرَّكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ

درفرع بالاعنصراینهمانی(كُم) این فرع را به هم ربط داده وقاب بندی کرده است. نیزاین دومفصل از لحاظ معنایی با هم مرتبط و(بَلَى...) جواب سؤال (أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ) است. این فرع نظم توازی(أ، ا، ب) دارد.

فرع (۱۴-ب) با توجه به عنصر (كُم) می تواند به فرع (۱۳-ج) ملحق وبا هم تحلیل شوند ولی قواعد نظم متقارن بیش ازسه مفصل در یک فرع را اجازه نمی دهد. لذا قاعده(هر فرع بیش ازسه مفصل نمی تواند داشته باشد) دراینجا نیزناکارآمد است.

فرع سه مفصلی ﴿۱۵﴾ (أ) فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا

(ب) مَاوَأَكُمُ النَّارُ

(ج) هِيَ مَوْلَاكُمْ

دومفصل (۱۵ب، ج) دراینکه آتش جایگاه وسزاوارکافران است، مشابهت دارد. نیزمیان این دومفصل(۱۵ب، ج) رابطه تجاوربرقراراست. لذا این فرع دارای توازی(أ، ب، ب) است.

عناصرارتباطی: قاب بندی این فرع توسط عنصراینهمانی(كُم) درهرسه مفصل ودوعنصرمشابه معنایی(النَّارُ وَهِيَ)، این دو مفصل را به هم ربط داده. قواعد نظم متقارن مربوط به فرع ومفصل دراین فرع کارآمد است.

فرع تک مفصلی (د) وَيُسَّ الْمَصِيرُ

این فرع با قبل وبعد از خود عنصر مشترک ندارد و فرع قبل و بعد از آن هر کدام سه مفصلی است و طبق قواعد نظم متقارن هر فرع بیش از سه مفصل نمی تواند داشته باشد. لذا در یک فرع تک مفصلی تقسیم بندی می شود.

فرع سه مفصلی ﴿۱۶﴾ (أ) أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ

(ب) وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ

(ج) وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ

در این فرع دو مفصل (۱۶) و (۱۶) دارای معنای متضاد و در دو عنصر (تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ) و (قَسَتْ قُلُوبُهُمْ) تقارن تضادی دارند و نظم (أ، ا، ب) در این فرع برقرار است. عناصر ارتباطی: عنصر مشترک اینهمانی (هُمْ) در هر سه مفصل این فرع را قاب بندی کرده است، عنصر اینهمانی (الَّذِينَ، قُلُوبُ) و دو فعل ماضی هم صیغه (نَزَلَ، طَالَ) در مفصل (۱۶) و (۱۶) و (ب)، این فرع را به هم مربوط کرده است. لذا قواعد نظم متقارن در این فرع کارآمد است.

فرع دو مفصلی ﴿۱۷﴾ (أ) اَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا

(ب) قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

در مفصل (۱۷) یک مصداق از آیات خداوند مطرح شده و در مفصل (۱۷) تأکید و تکمیل بر بیان آیات شده است. نیز این دو مفصل با هم رابطه تجاوز دارند. لذا نظم توازی تکاملی (أ، ا) در این فرع وجود دارد. عناصر ارتباطی: دو کلمه مشابه معنایی (الله) و (نا) و (ضمیر در اَعْلَمُوا) و (كُم) این فرع را به هم مربوط می کنند. فرع (۱۷، ب) با توجه به عناصر ارتباطی (الله) و (نا) می تواند به فرع قبل (۱۶-ج) الحاق و با هم تحلیل شوند ولی قواعد نظم متقارن بیش از سه مفصل در یک فرع را مجاز نمی داند. لذا قاعده (هر فرع بیش از سه مفصل نمی تواند داشته باشد) در این فرع ناکارآمد است.

فرع دو مفصلی ﴿۱۸﴾ (أ) إِنَّ الْمُصَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفُ لَهُمْ

(ب) وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ

در این فرع مفصل (۱۸) تکمیل کننده فرع (۱۸) است. در مفصل (۱۸) پاداش مضاعف برای قرض دهندگان بیان شده و در مفصل (۱۸) این پاداش تکامل یافته و با (أَجْرٌ كَرِيمٌ) تکمیل شده است. در قرض اجر عظیم وجود دارد و پاداش آن بر عهده خداوند است و قرض از کارهای نیکویی است که بنده آن را پرداخت می کند و در آخرت عوض آن را دریافت خواهد کرد. (مقداد، ۱۴۲۹، ج ۲: ۵۸) بنابر این فرع (۱۸-ب) دارای نظم توازی تکاملی (أ، ا) است. عناصر ارتباطی: عنصر اینهمانی (هُمْ) این فرع را قاب بندی کرده است. مشابهت معنایی پاداش میان (يُضَاعَفُ لَهُمْ) و (أَجْرٌ كَرِيمٌ). لذا قواعد نظم متقارن مربوط به فرع و مفصل در این فرع کارآمد است.

فرع دو مفصلی ﴿۱۹﴾ (أ) وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشَّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ

(ب) وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ

در فرع بالا عناصر متضاد (آمَنُوا، كَفَرُوا) و (الصَّادِقُونَ، كَذَّبُوا)، (لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ، أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ) وجود دارد. لذا دو مفصل این فرع دارای توازی تضادی (أ، أ) است.

عناصر ارتباطی: عنصر اینهمانی (الَّذِينَ) و (أُولَٰئِكَ) این فرع را قاب بندی کرده است. نیز ضمیر متصل (و) در کلمات (آمَنُوا، كَفَرُوا، كَذَّبُوا) این فرع را به هم ربط می دهند.

این فرع با توجه عناصر مشترک (اللَّهُ، رَبِّ، هُمْ، لَهُمْ أَجْرٌ) می تواند به فرع قبل الحاق و با هم تحلیل شوند ولی قواعد نظم متقارن بیش از سه مفصل در یک فرع را مجاز نمی داند. لذا قاعده (هر فرع بیش از سه مفصل نمی تواند داشته باشد) در این فرع ناکارآمد است.

فرع سه مفصلی ﴿٢٠﴾ (أ) اَعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا

(ب) وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ

(ج) وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ

این فرع دارای نظم محوری (أ، ب/ج/أ، ب) است. دو مفصل طرفینی (٢٠) و (ج) هم معنا و دارای عناصر مشابه و متقارنند و زندگی دنیا و اموال و متاع بودن دنیا بیان شده است.

در طرف اول (الْحَيَاةُ الدُّنْيَا) وجود دارد که در نمودار نظم محوری با حرف (أ) نشان داده می شود و (وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ) است که در نمودار نظم محوری با حرف (ب) نشان داده می شود.

در طرف دوم (الْحَيَاةُ الدُّنْيَا) است که در نمودار نظم محوری با حرف (أ) نشان داده می شود و (مَتَاعُ الْغُرُورِ) وجود دارد که در نمودار نظم محوری با حرف (ب) نشان داده می شود.

در مفصل مرکزی (٢٠) حکم عذاب و آمرزش از سوی خداوند مطرح می شود (فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ) است که در نمودار نظم با حرف (ج) نشان داده می شود.

عناصر ارتباطی: عنصر اینهمانی (الْحَيَاةُ الدُّنْيَا) در دو مفصل (٢٠) و (ج) این فرع را قاب بندی کرده، همچنین دو عنصر دوتایی متضاد (الدُّنْيَا، الْآخِرَةُ)، نیز عناصر (لَعِبٌ وَلَهُمْ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ) با عنصر (الْغُرُورِ) تشابه معنایی دارند. همچنین مشابهت در حصر در دو مفصل (٢٠) و (ج) که بوسیله دو کلمه (أَنَّمَا) و (إِلَّا) آمده است. أَنَّمَا در افاده حصر همتای إِلَّا است. (ابن عاشور، ۱۹۸۴م، جزء ۲۷: ۴۰۱) لذا قواعد نظم متقارن در این فرع کارآمد است.

فرع سه مفصلی ﴿٢١﴾ (أ) سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ

(ب) ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ

(ج) وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

این فرع با توجه به معنی مشترک فضل خدا در مفصل (٢١) و (ج) دارای نظم توازی ترادفی (أ، ب، ب) است.

عناصرارتباطی: کلمه اینهمانی(الله) درهرسه مفصل، این فرع راقاب بندی کرده نیزعنصراینهمانی(الْفُضْلُ)، مشابهت معنایی در(مَغْفِرَةٌ) و(فُضْلٌ) موجب ربط این فرع به هم است.
این فرع با توجه به عنصراینهمانی(الله) وهم معنا با(رَبِّ)، عناصرمشترک معنایی(رِضْوَانٌ، جَنَّةٌ)، (مَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ، مَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّ)، وجود عنصردوتایی(لَعِبٌ وَلَهْوٌ، زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ، السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ) می تواند به فرع قبل (۲۰-ج) الحاق ویا هم تحلیل شوند ولی قواعد نظم متقارن بیش از سه مفصل در یک فرع را مجاز نمی داند. لذا قاعده(هر فرع بیش از سه مفصل نمی تواند داشته باشد) در این فرع ناکارآمد است.

فرع دومفصلی ﴿۲۲﴾ (أ) مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا

(ب) إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ

دراین فرع، مفصل(۲۲ب) دارای انسجام خارجی است وبا مفصل(۲۲أ) ارتباط معنایی دارد. ذلک به تمام آنچه برمی گردد که درنوشته ای ذکر و تقدیر شده، (ابوحیان، ۴۲۰: ۱، ج ۱۱: ۱۰) قبل از اینکه آفریده شوند، لذا (ذلک) به مطالب مطرح شده در مفصل(۲۲) برگشته واین فرع را به هم ربط می دهد.
(أَنْ نَبْرَأَ) تأویل به مصدر و معنی بُرء و آفریدن دارد. در تاج العروس آمده: بُرَأَ اللَّهُ الْخَلْقَ. (مرتضی زبیدی، ۱۹۹۴: ۱، ج ۱) مفصل(۲۲) با(۲۲ب) در انجام آسان امور توسط خداوند، مشابهت معنایی داشته و توازی ترادفی (أ،أ) دارند. قواعد نظم متقارن مربوط به فرع و مفصل در این فرع کارآمد است.

فرع دومفصلی ﴿۲۳﴾ (أ) لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ

(ب) وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ

در فرع فوق دو مفصل این فرع در عناصر (لا تَأْسَوْا، فَاتَكُمْ) و (لا تَفْرَحُوا، آتَاكُمْ)، تقارن و توازی تضادی دارد. لذا نظم توازی تضادی (أ،أ) در این فرع برقرار است.
عناصرارتباطی: این فرع بوسیله عنصر پایانی (كَمْ) قاب بندی شده و نیز عنصر اینهمانی (ما) این فرع را به هم مربوط می کند. قواعد نظم متقارن در این فرع کارآمد است.

فرع دومفصلی (ج) وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ

﴿۲۴﴾ (أ) الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ

این فرع اشتراک معنایی در صفت منفی برای انسانها میان دو مفصل آن وجود دارد. (مُخْتَالٍ فَخُورٍ در ۲۳ج) و (يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ در ۲۴أ) لذا در یک فرع دو مفصلی تقسیم بندی شده تقارن دارند و نظم توازی (أ،أ) در این فرع برقرار است.
عناصر ارتباطی: کلمه اینهمانی(الله) در هر دو مفصل. قواعد نظم متقارن در این فرع کارآمد است.

فرع سه مفصلی ﴿۲۵﴾ (أ) لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ

(ب) وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ

(ج) وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ

در دو مفصل (۱۲۵) و (۲۵ب) موضوع مشابه نازل کردن با عنصر اینهمانی (أَنْزَلْنَا) بیان شده. لذا این دو مفصل با هم تقارن داشته و نظم توازی ترادفی (أ، ب) در این فرع برقرار است.

عناصر ارتباطی: عنصر اینهمانی (رُسُلَ) این فرع راقاب بندی کرده، نیز دو فعل هم صیغه (أَرْسَلْنَا، أَنْزَلْنَا)، افعال هم صیغه (يَقُومُ، يَعْلَمُ، يَنْصُرُ)، عنصر (نَا) و (النَّاسِ) در مفصل اول و دوم سبب ارتباط این فرع به هم شده است. فرع (۲۵-ج) عناصر ارتباطی مشترک با فرع قبل از خود دارد. کلمه اینهمانی (الله) و عنصر (نَا) که هم معنا با کلمه (الله) است و افعال مضارع با صیغه مشترک که می تواند به فرع قبل از خود الحاق و با هم تحلیل شوند ولی قواعد نظم متقارن بیش از سه مفصل در یک فرع را مجاز نمی داند. لذا قاعده (هر فرع بیش از سه مفصل نمی تواند داشته باشد) در این فرع ناکارآمد است.

فرع تک مفصلی (س) إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ

این فرع با نظر به کلمه مشترک (الله) با فرع قبل می تواند به فرع (۲۵-ج) الحاق و تحلیل شوند ولی قواعد نظم متقارن بیش از سه مفصل در یک فرع را مجاز نمی داند. لذا قواعد نظم متقارن در این فرع ناکارآمد است.

فرع سه مفصلی (۲۶) وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ

(۲۷) (أ) ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِرُسُلِنَا

(ب) وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ

در این فرع با توجه به عنصر اینهمانی (قَفَّيْنَا) در دو مفصل (۲۷) و (۲۷ب) و مشابهت معنایی این دو مفصل درباره آوردن پیامبران به دنبال هم و بعد آوردن عیسی به دنبال دیگر پیامبران، با هم تقارن داشته و نظم توازی ترادفی (أ، ب، ب) در این فرع برقرار است. عناصر ارتباطی: عنصر اینهمانی (قَفَّيْنَا) در مفصل (۲۷ب)، (أَرْسَلْنَا، جَعَلْنَا) در مفصل (۲۶)، (آتَيْنَا) در مفصل (۲۷ب) در صیغه ماضی تشابه دارند و در سه مفصل آمده اند نیز عناصر مشابه اسمی پیامبران در نبوت و عنصر مشابه (الْكِتَابَ، الْإِنْجِيلَ) در آسمانی و مکتوب بودن، این فرع را به هم مربوط می کنند. لذا قواعد نظم متقارن مربوط به فرع و مفصل در این فرع کارآمد است.

فرع سه مفصلی (س) وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا

(ص) فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ

(ط) وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ

این فرع با نظر به معنای تضادی دو مفصل (۲۷ص) و (۲۷ط) در دو عنصر (آمَنُوا، فَاسِقُونَ) دارای نظم توازی تضادی (أ، ب، ب) است.

عناصرارتباطی: عنصر اینهمانی(هَمْ) درهرسه مفصل آمده واین فرع را قاب بندی کرده است. سه فعل مشابه درصیغه ماضی(جَعَلْنَا، كَتَبْنَا، آتَيْنَا) این فرع را به هم ارتباط می دهند.

دومفصل(۲۷س) و(۲۷ص) با توجه به عناصر این همانی فعل ماضی ومشابه درصیغه(جَعَلْنَا، كَتَبْنَا، آتَيْنَا) با افعال ماضی در فرع قبل، می توانست با فرع قبل(۲۶-۲۷، ب) الحاق و تحلیل شوند ولی قواعد نظم متقارن بیش ازسه مفصل دریک فرع را اجازه نمی دهد. لذا قواعدنظم متقارن دراین فرع ناکارآمد است.

فرع تک مفصلی ﴿۲۸﴾ (أ) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ

این فرع(۲۸أ) با توجه به اشتراک دو کلمه اینهمانی (الله) و(الَّذِينَ آمَنُوا) با فرع قبل می تواند به فرع (۲۷س-ط) الحاق شود ولی قواعد نظم متقارن بیش ازسه مفصل دریک فرع را اجازه نمی دهد. لذا قاعده(هر فرع بیش از سه مفصل نمی تواند داشته باشد) دراین فرع ناکارآمد است.

فرع سه مفصلی (ب) وَأَمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ

(ج) وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ

(س) وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

سه مفصل این فرع درمعنای رحمت(مهربانی) وغفران(آمرزش) مشترکند ونظم توازی ترادفی(أ،أ،أ) دارند. عناصرارتباطی: ضمیر(ه) وکلمه(الله)، دو عنصر(يَغْفِرُ) و(غَفُورٌ)، سه فعل مضارع باصیغه مشابه(يُؤْتِ، يَجْعَلُ، يَغْفِرُ)، دو عنصر مشابه معنایی ومتقارن(رَحْمَتِ، رَحِيمٌ) این فرع را به هم متصل می کنند. قواعد نظم متقارن دراین فرع کارآمد است.

فرع سه مفصلی ﴿۲۹﴾ (أ) لَيْلًا يَعْلَمُ أَهْلُ الْكِتَابِ أَلَا يَفْقَهُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ

(ب) وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ

(ج) وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

درفرع فوق با توجه به عنصر مشترک(الْفَضْلَ، اللَّهُ) دردومفصل(۲۹ب-ج) ومعنی مشترک این دو مفصل دراینکه خداوند دارای فضل است، لذا این فرع دارای نظم توازی ترادفی(أ،ب،ب) است.

عناصرارتباطی: کلمه اینهمانی(الله) و(فَضْلِ) درهرسه مفصل، این فرع را قاب بندی کرده اند. نیز سه فعل مضارع مشابه درصیغه(يَعْلَمُ، يُؤْتِ، يَشَاءُ) این فرع را به هم متصل می کنند. قواعد نظم متقارن مربوط به فرع ومفصل دراین فرع کارآمد است.

۳-۳- سطح قسم: هر قسم با خط بلند(-----) در بالا و پایین مشخص می شود.

وهر فرع نیز با خط کوتاه (---) مشخص شده است.

قسم تک فرعی ﴿۱﴾ (أ) سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

(ب) وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

(۲) ﴿أ) لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾

قسم بالا دارای نظم محوری (أ، ب، أ) است. دوطرف (أ و أ) دارای عنصر اینهمانی (السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ) که این فرع را قاب بندی کرده و مرکز (ب) حکم به عزت و حکمت خداوند داده است. عناصر ارتباطی: قاب بندی که کمال اتصال میان یک متن است، نیز کلمات (الله، هُوَ، هُ دَرَلَهُ) هم معنا هستند و این قسم را به هم ربط داده اند. لذا قواعد نظم متقارن در این قسم کارآمد است.

قسم تک فرعی (ب) يُحْيِي

(ج) وَيُمِيتُ

قسم بالا تک فرعی و دو مفصلی است. هر دو مفصل آن فعل مضارع مفرد مذکر است. هر دو فعل نشان دهنده تصرف کامل در ملک و ایجاد و محو همه چیز بوسیله خداوند است. (ابو حیان، ۱۴۲۰، ج ۱۰۰: ۱۰۰) لذا این قسم دارای نظم توازی (أ، أ) است. عناصر ارتباطی: هر دو فعل از جهت مضارع بودن و تصرف کامل، مشابه و متقارن و از جهت متضاد بودن تقارن تضادی دارند و این فرع را به هم مربوط کرده است. بنابراین قواعد نظم متقارن در این قسم کارآمد است.

قسم سه فرعی (د) وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

(۳) ﴿أ) هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ﴾ (ب) وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

(۴) ﴿أ) هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ﴾ (ب) ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ (ج) يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا

وجود مشابهت معنایی در احاطه، توانایی و قدرت خداوند بر همه چیز در هر سه فرع سبب توازی مترادفی (أ، أ، أ) میان فرع های این قسم است.

عناصر ارتباطی: عنصر (هُوَ) در آغاز هر سه فرع به عنوان عناصر آغازین این قسم را قاب بندی کرده. تقارن مفصل (د) از فرع اول با مفصل (ب) از فرع دوم در معنا و مشابهت رابطه نحوی، نیز مشابهت معنایی مفصل (ب) از فرع سوم با این دو مفصل در احاطه قدرت، مشابهت و تقارن معنایی میان عنصر (عَلِيمٌ) در (ب) و (يَعْلَمُ) در (ج)، استفاده از عنصر حرف جر در هر سه فرع، در فرع اول و سوم (عَلَى) در (عَلَى كُلِّ، عَلَى الْعَرْشِ) و در فرع دوم از عنصر حرف جر (ب) در (بِكُلِّ) استفاده شده است. لذا قواعد نظم متقارن در این قسم کارآمد است.

قسم دو فرعی (د) وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ (س) وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

(۵) ﴿أ) لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ (ب) وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ

در این قسم عبارت (وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ) در فرع (س) و عبارت (وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ) در فرع (ب) دلالت بر سیطره خداوند بر همه چیز دارد و لذا این قسم دارای نظم توازی مترادفی (أ، أ) است. عناصر ارتباطی: این قسم بوسیله کلمه اینهمانی (الله) قاب بندی شده است. عناصر مشترک و هم معنا و متقارن (هُوَ، هُوَ، اللهُ) در دو فرع، این قسم را به هم ربط داده است.

قسم (۴-۵د) با توجه به عناصر مشترک (هُوَ، اللهُ) و معنی مشترک میان (أ۵) و (أ۴) و اشتراک در عنصر دوتایی (السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ) با قسم قبل (۴-۵ج) می تواند به این قسم ملحق و با آن تحلیل شود ولی طبق قاعده نظم متقارن بیش از سه فرع در یک قسم مجاز نیست. لذا قواعد نظم متقارن در این قسم ناکارآمد است.

قسم تک فرعی دومفصلی (۶) (أ) يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ
(ب) وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ

این قسم با دو قسم قبل و بعد عنصر مشترک ندارد. در این قسم، مفصل (أ۶) و (ب) در ترکیب نحوی جمله و معنایی شباهت اینهمانی دارند و دارای نظم توازی (أ،أ) است. لذا قواعد نظم متقارن در این قسم کارآمد است.

قسم سه فرعی (ج) وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

(۷) (أ) آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ
(ب) وَأَنْفَقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ
(ج) فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ

(۸) وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالرَّسُولِ يَدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُوا بِرَبِّكُمْ وَقَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۹) (أ) هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَى عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ (ب) وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ
این قسم دارای نظم آینه ای (أ،ب،/ب،أ) است. مفصل (ج) و (۹ب) در دو طرف که به صورت (أ،أ) تنظیم شده، صفت الهی را بیان و مفصل (۷) و (ج) در بخش میانی با (ب،ب) تنظیم و ایمان به خداوند را بیان نموده است.
عناصر ارتباطی: این قسم با عنصر اینهمانی (هُوَ) قاب بندی شده. در فرع دوم و سوم میان (آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ) و (مَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالرَّسُولِ) ترادف تضادی، از طرفی نیز میان (آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ) و (أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ) ترادف تکاملی است که ایمان سبب اخذ میثاق شده. وجود کلمه (اللَّهِ) در فرع دوم و سوم و عنصر (هُوَ) هم معنا با (الله) در هر سه فرع، این قسم را به هم ربط می دهد. قواعد نظم متقارن در این قسم کارآمد است.

قسم سه فرعی (۱۰) (أ) وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (ب) لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتِلَ (ج) أُولَئِكَ أَكْثَرُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدِ وَقَاتَلُوا

(س) وَكَلَّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَى (ص) وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

(۱۱) (أ) مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ (ب) وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ

این قسم دارای نظم محوری (أ،ب/ج/أ،ب) به صورت زیر است:
(وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ) در فرع اول (۱۰-ج) با (مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا) در فرع سوم (۱۱) در انفاق مال و دعوت به آن، (أُولَئِكَ أَكْثَرُ دَرَجَةً) در فرع اول (۱۰) با (وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ) در فرع دوم (۱۱) مشابه اند، لذا طرفین به صورت (أ،ب/أ،ب) تنظیم می شوند، در مرکز (۱۰س،ص) که با حرف (ج) نشان داده شده نیز دو حکم خداوند درباره وعده و علم و آگاهی خداوند ذکر شده است و خواننده با دقت در مرکز برای درک آن به اطراف مرکز مراجعه می کند.

عناصر ارتباطی: کلمه (الله) در هر سه فرع وجود دارد این قسم را قاب بندی کرده است. مشابهت معنایی (أَنْفَقُوا، أَنْفَقُوا) در (ب، ج، ح) با (يُقْرِضُ اللَّهُ قَرْضًا حَسَنًا) در (أ، ب، ج)، مشابهت معنایی در پاداش میان (أَعْظَمُ دَرَجَةً) و (أَجْرٌ كَرِيمٌ)، مشابهت معنایی میان (الْحُسْنَى) و (حَسَنًا)، تقارن تضادی میان (لَا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ) و (يُقْرِضُ اللَّهُ قَرْضًا حَسَنًا)، عنصر اینهمانی (مَنْ) در دو طرف که قاب بندی دیگری در این قسم است.

طبق قانون پنجم لوند مشاهده می شود عنصر (الله) که در مرکز وجود دارد در دو طرف این نظم گسترش یافته است. قواعد نظم متقارن در این قسم کارآمد است.

قسم سه فرعی ﴿١٢﴾ (أ) يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ (ب) بُشِّرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا (ج) ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

﴿١٣﴾ (أ) يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ الَّذِينَ آمَنُوا أَمْ نَطْرُونَ أَنْ نَكْتِسِبَ مِنْ نُورِكُمْ (ب) قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا (ج) فَضْرَبَ بَيْنَهُمْ بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ

﴿١٤﴾ (أ) يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ (ب) قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَارْتَبْتُمْ وَغَرَّتْكُمُ الْأَمَانِيُّ حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَغَرَّكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ

این فرع دارای نظم توازی تضادی (أ، ب، ج // ج، ب، ج) است. در طرف اول (١٢-ج)، (١-المؤمنين والمؤمنات، ٢-جَنَاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ، ٣-ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ) و در طرف دوم (١٤-ب)، (١-الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ، ٢-ظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ، ٣-وَعَرَّكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ)، دو عبارت مشخص شده با شماره مشترک در دو طرف، متضادند.

عناصر ارتباطی: عنصر اینهمانی (كَمْ) و (هُمْ) در هر سه فرع، عنصر دوتایی و متضاد (المؤمنين والمؤمنات) و (الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ) و عناصر (نور، يوم) و فعل مضارع هم صیغه (يسعى، يقول)، عناصر هم معنای (بشراكم، يقول، قيل، ينادون، قالوا) در سه فرع. قواعد نظم متقارن در این قسم کارآمد است.

قسم دو فرعی ﴿١٥﴾ (أ) فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا (ب) مَا أَوْلَاكُمْ النَّارُ (ج) هِيَ مَوْلَاكُمْ

(د) وَبئْسَ الْمَصِيرُ

میان دو مفصل (١٥) و (١٥) (ج) رابطه تجاوز برقرار است. لذا این فرع دارای توازی (أ، ب، ج) است.

فرع (١٥) با فرع فوق ارتباط معنایی و خارجی دارد.

عناصر ارتباطی: عنصر اینهمانی (كَمْ) در هر سه مفصل. قواعد نظم متقارن در این قسم کارآمد است.

قسم سه فرعی ﴿١٦﴾ (أ) أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ (ب) وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ (ج) وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ

﴿١٧﴾ (أ) اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا (ب) قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

﴿۱۸﴾ (أ) إِنَّ الْمَصْدِقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يَضَاعَفُ لَهُمْ (ب) وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ

این قسم دارای نظم محوری (أ/ب/أ) است. (أ،أ) که نماد(۱۶،۱۸) است با هم تشابه معنایی و تقارن دارند، ایمان آورندگان با خشوع قلب همان متصدقین و قرض دهندگانند. درآیه (۱۷،ب) که در مرکز است و با حرف(ب) تعیین شده، حکم زنده کردن زمین و بیان آیات با سه عامل تأکید(اعلموا،أن،قد) بیان شده است. (ابن هشام، ۱۹۷۹م: ۵۵، ۲۳۱) اما خواننده با مطالعه و دقت در مفهوم مرکوز اطراف می تواند دریابد که قلب های قاسی مانند زمین میت و قلب های خاشع مانند زمین احیا شده است. (صافی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۵۰: ۱۴) نیز در طرف دوم مصدقین و مصدقات قلب های خاشع و رؤوف دارند. لذا معنای مرکز آشکار می شود. عناصر ارتباطی: این قسم با عنصر(هم) و کلمه(الله) قاب بندی شده است. طبق قانون پنجم لوند مشاهده می شود عنصر(الله) که در مرکز وجود دارد در دو طرف این نظم آمده است. قواعد نظم متقارن در تقسیم بندی در این قسم کارآمد است.

قسم سه فرعی ﴿۱۹﴾ (أ) وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشَّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ (ب) وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ

﴿۲۰﴾ (أ) اَعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا (ب) وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ (ج) وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ

﴿۲۱﴾ (أ) سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ

(ب) ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ (ج) وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

این قسم نظم محوری(أ،ب،أ) دارد، دو عبارت کاملا مشابه و متقارن و مطابق (الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ) در طرفین یعنی(۱۹) و(۲۱) نیز دو عبارت مشابه معنایی در پاداش دادن(لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ) در طرف اول و(ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ) در طرف دوم سبب توازی طرفین این نظم اند. در مرکز (۲۰-ج) حکم زندگی دنیا به بازیچه و زیبایی و فخرو فریب و...، تشبیه اموال و اولاد به رشد گیاهان بعد از باران و از بین رفتن با فرا رسیده فصل خشکی، و حکم جزای کافران بیان شده. با تدبیر در مرکز و طرفین ارتباط مفهومی طرفین با مرکز به دست می آید.

عناصر ارتباطی: این قسم دارای عناصر مشترک بوده و کلمه(الله) در هر سه فرع موجود و این قسم را قاب بندی کرده نیز کلمه(رَبِّ) در فرع اول و سوم، (الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ) در(۱۹، ۲۱، أ)، (مَغْفِرَةٌ) در (۲۰، ب، ۲۱، أ)، تضاد معنایی میان (الْكُفَّارَ) در(۲۰، أ) و(الَّذِينَ آمَنُوا) در(۱۹، ۲۱، أ).

طبق قانون پنجم لوند مشاهده می شود عنصر(الله) که در مرکز وجود دارد در دو طرف این نظم آمده است.

قسم(۱۹-۲۱) به دلیل داشتن عناصر مشترک با قسم قبل(۱۶-۱۸) می تواند به آن ملحق و تحلیل شود، اما قواعد نظم متقارن اجازه بیس از سه فرع در یک قسم را اجازه نمی دهد. لذا قاعده(هر قسم بیش از سه فرع نمی تواند داشته باشد) در این قسم ناکارآمد است.

قسم سه فرعی ﴿۲۲﴾ (أ) مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا (ب) إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ

﴿۲۳﴾ (أ) لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ

(ب) وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ

(ج) وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ

این قسم دارای نظم توازی ترادفی (أ، أ، أ، أ) است. در این قسم فرع (أ۲۲-ب) با فرع بعد (أ۲۳-ب) ارتباط معنایی دارد. ابتدا بیان می شود که مصائب و سختی ها قبل از پدیدار شدن در کتاب مشخص شده و در فرع بعد بیان می شود تا به خاطر از دست دادن نعمتی و دیدن مصیبتی و یا بدست آوردن نعمتی، غمگین و خوشحال نشوید. یعنی از مصیبت ها وحشت نکنید زیرا هر کس یقین داشته باشد که نعمت های دنیوی او روزی از بین می رود با از دست دادن آنها زیاد ناراحت نمی شود و دچار نوعی خوشحالی هم نمی شود که از حد بگذرد و سبب غرور انسان شود. (ابن عاشور، ۱۹۸۴م، ج ۲۷: ۴۱۱) در فرع (ج۲۳) هم بیان می شود که خداوند افراد مغرور و خود پسند را دوست ندارد. لذا این فرع هم با فرع قبل ارتباط معنایی دارد و این سه فرع در یک قسم قرار می گیرند.

عناصر ارتباطی: کلمه (الله) این قسم را قاب بندی کرده است. عنصر (ما) و (کم) در فرع اول و دوم مشترک است. قواعد نظم متقارن مربوط به قسم و فرع و مفصل در این قسم کارآمد است.

قسم تک فرعی تک مفصلی

(أ) (۲۴) الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَنِيُّ الْحَمِيدُ

کلمه (الله) در این قسم با قسم قبل مشترک است و می تواند به قسم قبل ملحق و تحلیل شود ولی قواعد نظم متقارن بیش از سه فرع در یک قسم را اجازه نمی دهد. قواعد نظم متقارن در این قسم نا کارآمد است.

قسم سه فرعی (۲۵) (أ) لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ (ب) وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ (ج) وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ

(س) إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ

(۲۶) (۲۶) وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النَّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ (۲۷) (أ) ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَى آثَارِهِم بِرُسُلِنَا (ب) وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ

این قسم نظمی محوری (أ/ب/أ) دارد. در طرف اول (۲۵) به ارسال پیامبران با کتاب و در طرف دوم (۲۶) به ارسال مصادیق پیامبران با کتاب اشاره و کاملاً باهم مشابه و تقارن دارند. در مفصل (۲۵س) که در مرکز واقع شده حکم قوی و عزیز بودن خداوند بیان شده که با تدبیر اطراف و مرکز ارتباط مفهومی اطراف و مرکز به دست می آید.

عناصر ارتباطی: کلمه (الله) در مرکز و طرف اول، نیز ضمیر (نا) که با (الله) هم معنا است در طرف اول و دوم آمده و این قسم را قاب بندی کرده و ارتباط ساختاری مرکز با اطراف را نشان می دهد. عناصر (أرسلنا، رسلنا، أنزلنا، الكتاب، نوح، إبراهيم، النبوة، عيسى، الإنجيل) نیز این قسم را به هم ربط می دهد.

طبق قانون پنجم لوند مشاهده می شود عنصر (الله) که در مرکز وجود دارد در طرف اول این نظم آمده است. قواعد نظم متقارن در تقسیم بندی در این قسم کارآمد است.

قسم سه فرعی (س) وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا (ص) فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ (ط) وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ

{۲۸} (أ) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ

(ب) وَآمَنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ (ج) وَيَجْعَلَ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ (س) وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ
این قسم نظم محوری (أ،ب،أ) دارد. در طرف اول به پاداش دادن به ایمان آوردگان و پیروان عیسی که مصداق انبیاء است اشاره کرده و در طرف دوم نیز امر به ایمان به رسول خدا و پاداش ایمان آوردگان اشاره شده است. لذا طرفین دارای مفهوم مشابه و متقارنند. در (۲۸) که در مرکز است، مفهوم ایمان در طرفین توزیع شده است. لذا مرکز با طرفین مرتبط است. عناصر ارتباطی: کلمه (الله) در هر سه فرع، این قسم را قاب بندی کرده است. عناصر مشابه معنایی (رَحْمَةً، رَحْمَتٌ، يَغْفِرُ، غَفُورٌ، رَحِيمٌ) و تشابه معنایی و تقارن (الَّذِينَ آمَنُوا وَكُم) در مرکز و اطراف ارتباط ساختاری این قسم را نشان می دهند. طبق قانون پنجم لوند مشاهده می شود عنصر (الله) و مفهوم ایمان که در مرکز است در دو طرف این نظم آمده. نیز طبق قانون چهارم لوند تفکر ایمان آوردن با کلمه (آمَنُوا) از مرکز به اطراف منتشر شده است. این قسم با توجه به عناصر مشترک (الله، هم) و مشترک معنایی (رسل، رسول) و افعال ماضی با صیغه مشترک (أرسلنا، أنزلنا، جعلنا، ففينا، آتينا، كتبنا) و افعال مضارع مشترک (يقوم، يعلم، ينصر، يؤت، يجعل، يغفر) با قسم قبل، می تواند به این قسم ملحق و تحلیل ساختاری شود ولی قواعد نظم متقارن اجازه بیش از سه فرع در یک قسم را نمی دهد. لذا قاعده (هر قسم بیش از سه فرع نمی تواند داشته باشد) در این قسم ناکارآمد است.

قسم تک فرعی {۲۹} (أ) لئلا يعلم أهل الكتاب ألا يقدرون على شيء من فضل الله (ب) وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ (ج) وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

با توجه به عنصر مشترک (الفضل، الله) در دو مفصل (۲۹-ب-ج) و معنی مشترک این دو مفصل در اینکه خداوند دارای فضل است، لذا این قسم دارای نظم توازی ترادفی (أ،ب،ب) است. این قسم (۲۹-ج) با توجه به کلمه مشترک (الله) و فعل مضارع مشترک اینهمانی (يؤتي) و افعال مضارع (يشاء، يجعل، يغفر) مشترک در صیغه می تواند به قسم قبل (۲۷-س-۲۸-س) ملحق شود ولی قواعد نظم متقارن بیش از سه فرع را در یک قسم اجازه نمی دهد. لذا قواعد نظم متقارن در این قسم ناکارآمد است.

۴. نتیجه

- ۴-۱. با توجه به وجود روابط نحوی و معنایی میان مفصل های سوره حدید و مطابقت قواعد نظم متقارن در سطح مفصل های مذکور، قواعد نظم متقارن در سطح مفصل در این سوره ناکارآمد است.
- ۴-۲. در سطح فرع تعدادی عناصر ارتباطی مشابه و متقارن میان تعدادی از فرع ها یافت و مشاهده شد چنانچه یک فرع بیش از سه مفصل داشته باشد، خللی در تحلیل ساختاری متن در این سطح ایجاد نمی کند. لذا قوانین نظم متقارن در تعدادی از واحدهای متنی در این سطح ناکارآمد است.
- ۴-۳. همچنین در سطح قسم، عناصر ارتباطی مشابه و متقارن میان تعدادی از قسم ها یافت و معلوم شد، امکان تحلیل یک قسم با بیش از سه فرع وجود دارد. و مشاهده شد چنانچه عناصر ارتباطی در بیش از سه قسم وجود داشته باشد خللی در تحلیل ساختاری ایجاد نمی کند. لذا قوانین نظم متقارن در تعدادی از واحدهای متنی در سطح قسم ناکارآمد است.

٥. منابع

. قرآن كريم

- [١] ابن عاشور، محمد الطاهر، (١٩٨٤م)، التحرير والتنوير، ج ٢٨، تونس، الدار التونسية للنشر
- [٢] [ابن عجيبة](#)، بيتا، البحر المديد في تفسير القرآن المجيد، ج ٧، بدون محل، بدون ناشر
- [٣] ابن منظور الأنصاري، محمد، (١٤١٤ هـ)، لسان العرب، چاپ سوم، ج ٥، بيروت، دار صادر
- [٤] ابن هشام الانصاري، جمال الدين، ١٩٧٩م، مغنى اللبيب، ايران، تبريز، مكتبة بنى هاشمى، سوق المسجد الجامع، تحقيق دكتور مازن المبارك ومحمد حمدالله
- [٥] ابو زهره، محمد، ١٩٩٨م، المعجزة الكبرى القرآن، مصر، قاهره، دارالفكر العربى
- [٦] الأندلسى، أبوحيان، محمد، ١٤٢٠ق، البحر المحيط فى التفسير، لبنان-بيروت، ناشر دارالفكر
- [٧] الباقلانى، أبو بكر محمد بن الطيب ١٩٩٧، إعجاز القرآن، محقق أحمد صقر، مصر، ناشر دارالمعارف
- [٨] البقاعى، برهان الدين، ١٤٠٤ق-١٩٨٤م، نظم الدرر فى تناسب الآيات والسور، قاهره، دارالكتاب الإسلامى
- [٩] التفتازانى، سعدالدين، (بيتا)، مطول، ج ١، باحاشية سيد مير شرى، بدون محل، مكتبة الداورى
- [١٠] الثعالبي، ابو منصور، (بيتا)، فقه اللغة، محقق: جمال طلبة، بيروت-لبنان، دارالكتب العلمية
- [١١] [الرازى، فخر الدين](#)، بيتا، تفسير كبير، بيروت، دار الكتب العلمية
- [١٢] الزركشى، أبو عبد الله بدر الدين محمد بن عبد الله بن بهادر، ١٣٧٦ ق - ١٩٥٧ م، البرهان فى علوم القرآن، المحقق: محمد أبو الفضل إبراهيم، لبنان، بيروت، ناشر: دار إحياء الكتب العربية
- [١٣] السيوطى، عبد الرحمن بن أبى بكر، جلال الدين السيوطى ١٤٠٨ ق - ١٩٨٨ م، معترك الأقران فى إعجاز القرآن، لبنان، بيروت ناشر: دار الكتب العلمية
- [١٤] الصافى، محمود، (١٩٩٨م)، الجدول فى اعراب القرآن وصرفه وبيانه، چاپ چهارم، ج ١٤، دمشق-بيروت، دارالرشيد و مؤسسة الايمان
- [١٥] صبحى صالح (١٤٠٧هـ)، دراسات فى فقه اللغة، جلد ١، چاپ اول ١٣٧٩هـ، بيروت، دار العلم للملايين
- [١٦] الطباطبائى، محمد حسين، (بيتا)، الميزان فى تفسير القرآن، ج ٢٠، بدون محل، منشورات اسماعيليان
- [١٧] الطبرسى، ابوعلی، فضل بن حسن، (١٩٩٥م)، مجمع البيان فى تفسير القرآن، چاپ اول، ج ٩، بيروت-لبنان، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات
- [١٨] فولادوند، محمد مهدي، (١٣٧٦ش)، ترجمه قرآن كريم، تهران، دارالقرآن الكريم
- [١٩] فيض كاشانى، محسن، ١٤١٦ ق، تفسير الصافى، قم، ايران، ناشر مؤسسة الهادى
- [٢٠] الصافى، محمود، ١٤١٨ق-١٩٨٠م، الجدول فى اعراب قرآن وصرفه وبيانه، دمشق-بيروت، دارالرشيد و مؤسسة الايمان
- [٢١] الطبرسى، ابوعلی، فضل بن حسن، ١٤١٥ق - ١٩٩٥ م، مجمع البيان فى تفسير القرآن، لبنان، بيروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات
- [٢٢] كويپرس، ميشل، (٢٠١٨م)، فى نظم القرآن، بيروت، لبنان، دارالمشرق
- [٢٣] كويپرس، ميشل، (٢٠١٦م)، فى نظم سوره المائده، مترجم: عمرو عبدالعاطى صالح، بيروت، دارالمشرق

[۲۴] کوپرس، میشل، (۲۰۱۷م)، دلیل تدریسی للتحلیل البلاغی، القاہرہ، المعهد الدومنیکی للدراسات الشرقيه

[۲۵] مجله کتاب ماه دین (فروردین ۱۳۸۸ ش) شماره ۱۲۸، تهران

[۲۶] مکوند، محمود، (۱۳۹۵ش)، رساله دکتری: تحلیل (نظم معکوس) در ساختار متن قرآن با تاکید بر اندیشه میشل کوپرس، دانشگاه قم

[27] ring composition-oxford-۳۰۶&edited by angela crawly'shadan pub'tehran'iran'2005'p.67